قاتل پسر پولدار به قصاص محکوم شد

مرد جوانی که با همدستی یکی از دوستانش، پسر پولداری را به خاطر اختلاف مالی به قتل رسانده بود با حکم قضایی به قصاص و پرداخت دیه محکوم شد.

به گزارش جوان، دی‌ماه ۱۴۰۰، تحقیقات پلیس شهرستان شهریار با کشف جسد سوخته مرد ۳۰ساله به نام آریا در یکی از باغات شهریار به جریان افتاد. روند بررسی‌ها نشان می‌داد آریا مرد بنگاهداری بود که مدتی قبل با مردی به نام سهیل اختلاف مالی پیدا کرده بود. سهیل به عنوان مظنون به قتل بازداشت شد. او در روند بازجویی‌ها با اقرار به قتل گفت: «من و آریا در یک میهمانی با هم آشنا شدیم. بعد از مدتی او فهمید بدهکار هستم، به همین دلیل پیشنهاد داد مبلغ یک میلیارد تومان پول نقد و ۱۵۰ سکه طلا به من بدهد تا کاسبی راه بیندازم و بعد پول را همراه سودش به او برگردانم. مدتی گذشت، ولی نتوانستم کاسبی راه‌اندازی کنم و فقط مقداری از بدهی‌هایم را پرداخت کردم. وقتی آریا این موضوع را فهمید، اصرار داشت پولش را برگردانم. آریا پسر پولداری بود، به همین خاطر از او مهلت خواستم، ولی قبول نکرد و حتی تهدید کرد شکایت می‌کند. همین باعث شد تصمیم به قتل بگیرم. طبق نقشه، آن روز همراه یکی از دوستانم به نام پیمان، مقتول را به باغی در شهریار دعوت کردیم. او وقتی وارد باغ شد با اسلحه به سرش شلیک کردم. سپس جسد را به کمک پیمان به باغی متروکه بردیم و آتش زدیم.»

سهیل و پیمان در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شدند و با درخواست قصاص از سوی اولیای دم، سهیل به قصاص و پرداخت دیه و پیمان هم به ۱۵ سال حبس محکوم شدند.

بازداشت پدر و پسر فراری پس از ۱۶ ماه

پدری و پسری که از ۱۶ ماه قبل به اتهام قتل تحت تعقیب پلیس شهرستان راسک قرار داشتند، بازداشت شدند.

سردار محمد قنبری، فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان گفت: شهریورماه سال گذشته مأموران پلیس شهرستان راسک از حادثه تیراندازی در یکی از محله‌های شهر باخبر و در محل حاضر شدند.

بررسی‌ها نشان داد یک نفر در جریان حادثه تیراندازی جانش را از دست داده است. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، عاملان قتل که پدر و پسر بودند، شناسایی و تحت تعقیب قرار گرفتند.

در حالی که تحقیقات برای دستگیری متهمان با بن‌بست مواجه شده بود روز گذشته خبر رسید آنها با یک دستگاه خودروی تویوتا در حال حمل بار قاچاق از مسیر جکیگور به راسک هستند که بازداشت شدند. دو متهم در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کردند و گفتند حادثه خونین را به خاطر اختلاف قبلی با مقتول رقم زده‌اند.

کشف جسد مرد ناشناس حوالی میدان شوش

تحقیقات پلیس تهران درباره جسد مردی ناشناس که حوالی میدان شوش کشف شده، جریان دارد.

به گزارش جوان، دو روز قبل یکی از رفتگران شهرداری که حوالی میدان شوش مشغول کار بود با دیدن جسد مردی میانسال، پلیس را از ماجرا باخبر کرد. با حضور تیم جنایی در محل مشخص شد جسد متعلق به مردی حدوداً ۴۵ ساله است که دستمالی به دور گردنش پیچیده شده، آثار خراش روی گردنش معلوم و از ناحیه گوش هم دچار خون‌ریزی شده است. مأموران در تن‌پیمایی اوراق هویتی همراه جسد کشف نکردند. مردی که پلیس را از ماجرا باخبر کرده بود، گفت: من در حال نظافت بودم که دیدم یک نفر روی زمین رها شده است. فکر کردم کارتن‌خواب است و خواستم به او مقداری غذا بدهم که دیدم صورتش کبود و فوت شده است که بلافاصله پلیس را باخبر کردم. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، تحقیقات درباره شناسایی عامل یا عاملان قتل در جریان است.

قتل به خاطر چند سیخ جگر

اعتراض مشتری به بالا رفتن قیمت جگر در جنوب تهران به قیمت جانش تمام شد.

بامداد دیروز شنبه ۱۷ دی‌ماه به مأموران پلیس تهران خبر رسید پسر جوانی که در درگیری زخمی شده پس از انتقال به بیمارستانی در جنوب تهران فوت کرده است.

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران کلانتری ۱۵۵ نعمت‌آباد راهی بیمارستان و در آنجا با جسد پسر جوانی به نام بهرام روبه‌رو شدند که با اصابت ضربه چاقو به قفسه سینه‌اش به قتل رسیده بود.

بررسی‌های مأموران نشان داد مقتول چند ساعت قبل همراه برادرش برای خوردن چند سیخ جگر به مغازه جگرکی در جنوب تهران رفته بود. دو برادر پس از خوردن جگر هنگام حساب و کتاب با پسر جوان صاحب مغازه به نام بابک درگیری می‌شوند که در جریان آن بابک با چاقو ضربه‌ای به سینه بهرام وارد و او را نقش بر زمین می‌کند. سپس پسر زخمی به بیمارستان منتقل می‌شود، اما تلاش تیم پزشکی نتیجه‌ای نمی‌دهد و وی بر اثر شدت خونریزی فوت می‌کند.

همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه، موضوع قتل پسر جوان به قاضی محمدرضا صاحب‌جمعی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران اطلاع داده شد و او همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل تحقیقات خود را آغاز کرد.

■ شاهد قتل

تیم جنایی در نخستین گام به سراغ برادر مقتول که شاهد عینی حادثه بود، رفت و از وی تحقیق کرد.

او در توضیح ماجرا گفت: قاتل بچه محل ماست و در مغازه جگرکی پدرش کار می‌کند. او مدتی است با برادرم اختلاف مالی دارد. آنها چند باری درباره اختلافشان با هم صحبت کرده بودند، اما به نتیجه‌ای نرسیده بودند. شامگاه جمعه، من و برادرم به مغازه جگرکی بابک رفتیم و چند سیخ جگر سفارش دادیم و خوردیم. می‌خواستیم پول جگرها را حساب کنیم که بابک و برادرم به خاطر همان اختلاف قبلی با هم مشاجره لفظی کردند. ما قصد درگیری نداشتیم، اما بابک ناگهان با چاقو ضربه‌ای به سینه برادرم زد. پس از این حادثه به سرعت برادرم را به بیمارستان رساندم، اما او روی تخت بیمارستان فوت کرد.

■ شناسایی قاتل

مأموران پلیس در ادامه بابک را در محل زندگی‌اش دستگیر و به اداره پلیس منتقل کردند. متهم صبح دیروز به دادسرای امور جنایی منتقل شد و با اظهار پشیمانی به قتل اعتراف کرد. متهم ادعا کرد به خاطر هزینه سفارش جگر با مقتول و برادرش درگیر شده، اما قصد قتل نداشته و فقط می‌خواسته آنها را بترساند. وی در ادامه برای تحقیقات بیشتر به دستور بازپرس جنایی در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

■ گفت‌وگو با متهم

مقتول را می‌شناختی؟

بله، مقتول و برادرش بچه محلِ ما هستند و از مدت‌ها قبل با هم آشنا هستیم. آنها معمولاً برای خوردن جگر به مغازه ما می‌آیند.

با مقتول اختلاف مالی داشتی؟

نه، ما اصلاً با هم حساب و کتابی نداشتیم که اختلاف مالی داشته باشیم.

برادر مقتول گفته با برادرش اختلاف مالی داشتی و به همین خاطر هم او را به قتل رساندی؟

نه، اصلاً درگیری ما به خاطر اختلاف مالی نبود. این درگیری مرگبار به خاطر پول چند سیخ کباب بود. ای کاش اصلاً رایگان حساب می‌کردم و این حادثه رخ نمی‌داد و الان من قاتل نبودم. البته مغازه تنها متعلق به من نیست، به همین خاطر هم اصرار داشتم پول را پرداخت کنند.

درباره شب حادثه توضیح بده؟

من، پدرم و برادرم مدتی قبل به صورت شریکی مغازه جگرکی را دایر کردیم و من مدیریت مغازه را به عهده داشتم. شب حادثه مقتول همراه برادرش به مغازه ما آمد و سفارش چند سیخ جگر و دل و قلوه داد. ما سفارش را آماده کردیم و آنها هم خوردند، اما زمانی که برای حساب و کتاب پیش صندوقدار رفتند به قیمت‌ها اعتراض کردند. آنها می‌گفتند چرا قیمت‌ها بالاست و هزینه سفارش آنها زیاد شده است. مقتول و برادرش داد و فریاد می‌کردند و نمی‌خواستند هزینه شامشان را پرداخت کنند. من جلو رفتم و می‌خواستم آنها را آرام کنم. به آنها گفتم که جگر گران شده و هزینه‌ها هم بالا رفته است، اما مقتول به من توهین کرد. عصبانی شدم و تصمیم گرفتم آنها را بترسانم، چاقویی برداشتم و در درگیری چاقو به بدن بهرام اصابت کرد.

سابقه درگیری هم داری؟

نه، من تا الان به کلانتری هم نرفته بودم، اما الان به اتهام قتل بازداشت شده‌ام و خیلی پشیمانم. البته می‌دانم پشیمانی فایده‌ای ندارد، اما امیدوارم خانواده مقتول مرا ببخشند.

مرگ جوینده گنج در کانال فاضلاب

آخرین کلنگ جویندگان گنج در زیرزمین خانه قدیمی در جنوب تهران که می‌خواستند به ثروت باد آورده برسند به کانل فاضلاب برخورد کرد و مرگ یکی از آنها رقم خورد.

شامگاه جمعه ۱۶ دی‌ماه، قاضی محمدرضا صاحب‌جمعی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۵۳ شهرک ولیعصر از مرگ مشکوک مرد جوانی در زیرزمین ساختمان سه طبقه قدیمی باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی در محل حادثه با جسد مرد ۳۷ ساله‌ای به نام ابراهیم روبه‌رو شد که دقایقی قبل نیروهای عملیات آتش‌نشانی جسد بی‌جان او را از داخل چاه ۱۲ متری در زیرزمین خانه بیرون کشیده بودند.

بررسی‌های اولیه حکایت از آن داشت مرد فوت شده همراه پسر صاحبخانه به نام بهرام از مدتی قبل برای پیدا کردن گنج، چاهی به عمق ۱۲ متر کنده بودند که آخرین ضربه کلنگ آنها به کانال فاضلاب برخورد می‌کند و باعث خفگی ابراهیم می‌شود. همچنین مشخص شد بهرام هم با تلاش آتش‌نشانان از یک قدمی مرگ نجات پیدا کرده و برای درمان به بیمارستان منتقل شده است.

■ وسوسه پولدار شدن

همزمان با ادامه تحقیقات، بهرام پس از بهبودی نسبی به دستور بازپرس جنایی بازداشت و صبح دیروز برای بازجویی به دادسرا منتقل شد.

وی گفت: من و ابراهیم دوست صمیمی بودیم و سال‌ها با هم مسافرکشی می‌کردیم. ما دوست داشتیم خیلی زود پولدار شویم و راه صد ساله را یک شبه طی کنیم. مدتی قبل تصمیم گرفتیم کار تازه‌ای را شروع کنیم که درآمد خوبی داشته باشد. ابراهیم گفت به نقشه گنجی دسترسی پیدا کرده که نشان می‌دهد در زیرزمین خانه قدیمی ما گنج گرانقیمتی مدفون است. او حتی یک‌بار دستگاه گنج‌یابی به زیرزمین خانه ما آورد و صدای بوق آن را که نشان می‌داد دفینه داخل زیرزمین است، شنیدم. به هرحال ما دو نفری شروع به کندن زیرزمین کردیم به امید اینکه به زودی پولدار شویم. شب و روز می‌کندیم تا اینکه به عمق ۱۲ متری رسیدیم. فکر می‌کردیم به زودی به گنج می‌رسیم، اما آخرین کلنگ ما به کانال فاضلاب برخورد کرد و باعث شد آب تمام چاه را فرا بگیرد. من و دوستم هر دو داخل چاه گرفتار شدیم که شروع به داد و فریاد کردیم. خانواده‌ام متوجه شدند و از آتش‌نشانی درخواست کمک کردند. من در یک قدمی مرگ بودم و آخرین نفس‌هایم را می‌کشیدم که آتش‌نشانان نجاتم دادند، اما متأسفانه دوستم خفه شد.

پسر جوان به دستور بازپرس برای تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران پلیس قرار گرفت. همچنین بازپرس دستور داد خانه قدیمی به خاطر حفر غیراصولی در زیرزمین تا استحکام‌سازی آن تخلیه شود.

یادداشت

حسین فصیحی

تولید امنیت با سرمایه‌گذاری در پیوست‌های اجتماعی

انتصاب سردار احمدرضا رادان به عنوان فرمانده کل انتظامی کشور، انتظارات برای ارتقای امنیت عمومی را افزایش داده است. سردار رادان با تجربه‌های انتظامی جانشین پلیس کشور، فرمانده انتظامی استان‌های کردستان، سیستان و بلوچستان، خراسان و خراسان رضوی و پایتخت نزد بدنه انتظامی کشور، فردی با سوابق روشن و شناخته شده است که بیش از هر چیز دیگر بر سبقه عملیاتی بودن وی تأکید می‌شود.

جای تردید نیست پلیس بیش از هر سازمان و نهاد دیگری با بدنه اجتماعی در ارتباط است. از دورترین نقطه مرزی تا قلب پایتخت این مأموران پلیس هستند که عملکردشان در معرض داوری مردم قرار دارد. بنابراین رضایت یا نارضایتی عمومی از پلیس می‌تواند عملکرد آنها را در عمل به وظایفشان روشن کند. ارتکاب جرم و بروز سانحه، دو گزینه‌ای است که امکان حضور میدانی پلیس را الزام می‌بخشد. این روزها و همزمان با گسترده شدن فناوری‌های نوین در بسترهای اجتماعی بر دامنه جرائم خصوصاً جرائم فضای مجازی افزوده و کاهش امنیت عمومی را منجر شده است.

کاهش امنیت عمومی در یک دهه گذشته، همزمان با افزایش معضلات اقتصادی صورت گرفته است. افزایش معضلات اقتصادی، نابرابری‌های اجتماعی را دامن زده و بروز آسیب‌های اجتماعی را شدت بخشیده است. بنابراین هر مقدار بر گستره آسیب‌های اجتماعی اضافه شود بر دامنه مأموریت‌های پلیس هم اضافه می‌شود. به عنوان مثال در پنج سال گذشته میزان سرقت بیش از چهار برابر شده است به این معنا که مأموریت‌های پلیس در حوزه مبارزه با سرقت افزایش چهار برابری داشته، اما بعید است توان و تجهیزات پلیس در همان مقیاس رشد داشته باشد. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، شمار سرقت در سال ۹۵ حدود ۳۴۳ هزار و ۴۲۵ فقره بوده که بنا بر اعلام معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه در سال گذشته به حدود یک میلیون و ۴۰۰ هزار فقره رسیده است. از همین رو به نظر می‌رسد افزایش سرقت با رشد نرخ تورم رابطه‌ای معنادار دارد، به‌طوری که در بازه پنج ساله ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ نرخ تورم سالانه حدود ۴/۴ برابر شده است. این موضوع در مورد جرائم دیگر از جمله مواد مخدر، جرائم سایبری، کلاهبرداری، ارتکاب قتل، سوانح رانندگی و دیگر جرائم مصداقی روشن دارد. بنابراین شدت گرفتن بروز ناامنی در جامعه بیش از اینکه نیاز به افزایش مأموریت‌های پلیسی داشته باشد، نیازمند توجه به پیوست‌هایی است که منجر به بروز جرائم می‌شود. پلیس این امکان را دارد که در کمترین زمان متخلفان و مجرمان را بازداشت کند، اما روشن است در زمانه‌ای که زندان‌های کشور به باشگاه پروش‌اندام مجرمان تبدیل شده است، بازداشت منجر به از بین رفتن جرم نمی‌شود، بلکه باید بسترهایی که امکان بروز جرم یا سوانح را منجر می‌شود از بین برد.

در وضعیت حاضر، بین انتظاراتی که از پلیس وجود دارد و اختیاراتی که در پلیس وجود دارد، توازنی وجود ندارد، به‌گونه‌ای که انتظارات از پلیس بیش از اختیاراتی است که وجود دارد که این تغییر نگرش در آن باید با هزینه‌های قانونی به ایجاد موازنه بین اختیارات و انتظارات منجر شود. مخلص کلام اینکه تأمین و تولید امنیت نیازمند سرمایه‌گذاری در پیوست‌های اجتماعی است که غفلت از این موضوع منجر به وارد شدن هزینه‌های کلان به کشور شده که امید است فرمانده جدید فراجا با تغییر نگرش در وضعیت موجود در جلب رضایت عمومی موفق عمل کند.

مرد اسیدپاش فوت کرد

مرد جوانی که به اتهام اسیدپاشی روی همسر سابقش تحت تعقیب پلیس تهران قرار داشت در حادثه‌ای به کام مرگ رفت.

به گزارش جوان، آذرماه امسال زن جوانی به دادسرای امور جنایی تهران رفت و از شوهر سابقش به اتهام اسیدپاشی شکایت کرد.

شاکی که از ناحیه دو دست دچار سوختگی شده بود به قاضی عظیم سهرابی، بازپرس شعبه نهم گفت: «از سال‌ها قبل با شوهرم اختلاف داشتم تا اینکه مدتی قبل در دادگاه درخواست طلاق دادم و از او جدا شدم. از روزی که دادگاه حضانت فرزندم را به من داد مزاحمت‌های شوهر سابقم شروع شد. چند روز قبل داخل خیابان او راهم را سد کرد و ناگهان مایع اسیدی داخل بطری را روی من پاشید و فرار کرد. من دستانم را سپر صورتم کردم که دستانم دچار سوختگی شد.»

پس از طرح این شکایت، متهم تحت تعقیب مأموران پلیس قرار گرفت تا اینکه چند روز قبل شاکی دوباره به دادسرا رفت و اعلام کرد شوهر سابقش در حادثه‌ای فوت کرده است. او گفت خانواده شوهر سابقش از او خواسته‌اند فرزندش در مراسم ختم پدرش شرکت کند. با اعلام این خبر، پرونده اسیدپاشی برای همیشه بسته شد.

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان
تلفنی آگهی می‌پذیرد
۸۸۴۹۸۴۵۸

مفقودی
اینجانب بهزاد سلیمانی مالک خودرو سمند ایکس ۷ مدل ۱۳۸۶ به شماره شاسی ۷۰۲۰۴۶۰۵ و شماره موتور ۱۲۴۸۶۰۴۶۶۷۰ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران‌خودرو واقع در پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید، بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد. البرز

مفقودی
برگ کمپانی و برگ سبز خودرو سواری پراید تیپ SE۱۳۱ مدل ۱۳۹۸ به رنگ سفید روغنی به شماره انتظامی ۳۹۶س۶۹ ایران ۸۸ و شماره موتور M۱۳/۶۳۲۵۰۴۸ و شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰K۱۱۵۲۰۱۳ متعلق به علی نخ‌چین با کد ملی ۴۴۳۱۷۷۴۰۷۶ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. الف ل

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رأی شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۲۷۱۰۰۳۰۲۳ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی علی‌اکبر نمازی بایگی فرزند عباس در شش‌دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۹۱/۲۶ مترمربع قسمتی از پلاک ۵۳۶ فرعی از ۱۸ اصلی بخش ۹ واقع در بین میرزاکوچک‌خان ۱۴ و ۱۶ متعلق به خود متقاضی (سهم مشاعی خودش) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸
م.الف: ۲۶۰ رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه ۵ مشهد

مفقودی
برگ سبز خودروی سواری پیکان تیپ ۱۶۰۰i مدل ۱۳۸۲ به رنگ سفید به شماره موتور ۱۱۱۵۸۲۱۵۶۵۹ و شماره شاسی ۸۲۴۰۸۱۰۸ و شماره انتظامی ایران ۳۵-۳۳۶ص۲۴ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. تبریز

مفقودی
کلیه مدارک خودرو سواری سایپا SE۱۳۱ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۹ به شماره موتور M۱۳۶۴۵۱۷۳۶ و شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰L۱۱۸۳۵۰۵ و شماره پلاک ایران ۴۰-۳۳۶م۴۵ مفقود شده و فاقد اعتبار است. تهران

آگهی فقدان مدرک تحصیلی نوبت دوم
مدارک فارغ‌التحصیلی اینجانب محمدعلی صفائی فرزند مهدی به شماره ملی ۰۳۱۰۷۱۱۷۳۸ صادره از کرج در مقطع کارشناسی رشته مهندسی تکنولوژی معماری صادره از واحد دانشگاهی هشتگرد با شماره ۳۳۰۱۵۸۳ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. لذا از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به این واحد دانشگاهی به نشانی استان البرز - هشتگرد - پایین‌تر از میدان صنعت - خیابان شهید صدوقی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد هشتگرد، ارسال نماید. کد پستی: ۳۳۶۱۶۵۹۹۱۳